



Original Article

Predicting Narcissistic Personality Symptoms Based on the Perceived Parenting Styles and Object Relations in College Students

Kosar Taghizadeh¹, MA; Leila Khabir^{2*}, PhD

¹Department of Psychology, Arsanjan Branch, Islamic Azad University, Arsanjan, Iran

²Department of Psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Article Information

Article History:

Received: December 05, 2023

Accepted: March 12, 2024

*Corresponding Author:

Leila Khabir, PhD;
Department of Psychology, Shiraz
Branch, Islamic Azad University,
Shiraz, Iran
Email: leila.khabir@iau.ac.ir

Abstract

Introduction: As foundational elements of societal progress, students' psychological health warrants critical examination. This study aimed to predict narcissistic personality symptoms based on the perceived parenting styles and object relations among university students.

Methods: This descriptive-correlational study included 376 students from Islamic Azad University, Shiraz Branch. The participants were selected through cluster random sampling during the first semester of the 2022-2023 academic year. Participants completed validated scales, including Ames Narcissistic Personality Inventory, Baumrind's Parenting Styles Questionnaire, and Bell Object Relations Inventory. Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient tests and multiple regression in SPSS software (version 23).

Results: The results showed that among the parenting styles, permissive ($P=0.001$, $\beta=0.311$) and authoritarian ($P=0.003$, $\beta=0.294$) components were positively and significantly associated with narcissism, while the authoritarian component ($P=0.001$, $\beta=0.307$) showed a negative and significant association. Among object relations dimensions, alienation ($P=0.005$, $\beta=0.288$) and self-centeredness ($P=0.001$, $\beta=0.302$) were positive and significant predictors of narcissism.

Conclusion: The findings demonstrated that parental and family functioning played a fundamental role in the development of personality disorder symptoms, including narcissistic traits in children. Consequently, this research contributed to understanding the etiology of narcissistic disorder among university students (primarily adolescents), while providing insights to help parents implement effective child-rearing strategies.

Keywords: Students; Parents; Parent-Child Relations; Attachment; Narcissistic Personality Disorder

Please cite this article as:

Taghizadeh K, Khabir L. Predicting Narcissistic Personality Symptoms Based on the Perceived Parenting Styles and Object Relations in College Students. Sadra Med. Sci. J. 2025; 13(2): 271-283. doi: 10.30476/smsj.2025.100932.1466.



مجله علوم پزشکی صدرا

<https://smsj.sums.ac.ir/>



مقاله پژوهشی

پیش‌بینی نشانه‌های شخصیت خودشیفته بر اساس ادراک سبک‌های فرزندپروری و روابط ابژه‌ای در دانشجویان

کوثر تقی‌زاده^۱، لیلا خبیر^۲

^۱گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان، ارسنجان، ایران
^۲گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران

چکیده

مقدمه: بررسی سلامت روان‌شناختی دانشجویان از ارکان اساسی پیشرفت هر جامعه‌ای بشمار می‌رود. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌بینی نشانه‌های شخصیت خودشیفته بر اساس ادراک سبک‌های فرزندپروری و روابط ابژه‌ای در دانشجویان انجام شد.

مواد و روش‌ها: طرح مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود، و جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز که در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند. تعداد ۳۷۶ نفر از این دانشجویان با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای جهت انجام پژوهش انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه‌های شخصیت خودشیفته آمز و همکاران، سبک‌های فرزندپروری بامریند و روابط ابژه بل بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۳ تجزیه و تحلیل گردید و با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که از بین سبک‌های فرزندپروری سبک‌های سهل‌گیر ($\beta=0/311$, $P=0/001$) و استبدادی ($\beta=0/294$, $P=0/003$) به‌صورت مثبت و معنادار و سبک اقتدار منطقی ($\beta=-0/307$, $P=0/001$) به‌صورت منفی و معنادار؛ و از بین ابعاد روابط ابژه‌ای، ابعاد بیگانگی ($\beta=0/288$, $P=0/005$) و خودمحوری ($\beta=0/302$, $P=0/001$) به‌صورت مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی خودشیفتگی بودند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که به‌طور کلی عملکرد والدین و خانواده در بروز نشانه‌های اختلالات شخصیتی از جمله خودشیفتگی فرزندان نقشی کلیدی دارد. بنابراین انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به آسیب‌شناسی اختلال خودشیفتگی در دانشجویان که عمدتاً در دوران جوانی هستند و همچنین به انتخاب راهکارهای مناسب توسط والدین کمک نماید.

کلمات کلیدی: دانش‌آموزان، والدین، روابط والد-فرزندی، دلبستگی، اختلال شخصیت خودشیفته

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

نویسنده مسئول:

لیلا خبیر،

گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران

پست الکترونیکی: leila.khabir@iau.ac.ir

لطفاً این مقاله را به این صورت استناد کنید:

تقی‌زاده ک، خبیر ل. پیش‌بینی نشانه‌های شخصیت خودشیفته بر اساس ادراک سبک‌های فرزندپروری و روابط ابژه‌ای در دانشجویان. مجله علوم پزشکی صدرا. دوره ۱۳، شماره ۲، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۲۷۱-۲۸۳.

مقدمه

حس استحقاق وجود دارد. این احساس محق بودن همراه با فقدان حساسیت نسبت به خواسته‌ها و نیازهای دیگران، ممکن است به بهره‌کشی هشیارانه یا ناخواسته از دیگران منجر شود (۸).

بررسی عوامل مرتبط با خودشیفتگی می‌تواند کمک قابل توجهی به درک بروز نشانه‌های این اختلال در دانشجویان بنماید. یکی از این عوامل، سبک‌های فرزندپروری والدین است. خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری افراد است که نقش مهمی در تعیین خط‌مشی زندگی آن‌ها در آینده دارد. این مفهوم در سبک فرزندپروری والدین تبلور می‌یابد.

نقش والدین در تحول روانی فرزندانشان بسیار برجسته است. اکثر مطالعات در قلمرو رفتارهای والدگری بر اهمیت ارتباط والد-فرزند و تأثیرگذاری شیوه‌های فرزندپروری در ایجاد رابطه فرزند با دیگران و شخصیت وی در بزرگسالی اذعان دارند (۹، ۱۰). والدگری سرد و بی‌تفاوت ممکن است مانع رشد یک خودنگری سازگانه شود. فرض بر این است که فقدان روابط صمیمانه از سوی والدین سرد می‌تواند به شکست کودک در تسلط بر فرآیند رشد طبیعی منجر شود و در نتیجه یک خودنگری واقع‌بینانه شکل نگیرد (۹). بالین‌حال، تصور می‌شود که حساس بودن و ملایمت بیش‌ازحد والدین نسبت به نیازهای کودک نیز، مشکل‌ساز باشد (۱۱). این والدین باعث می‌شوند که توانایی کودک در یادگیری از تجربیات محدود شود و در نتیجه قادر به اصلاح رفتارهای خودشیفته خود نخواهند بود (۱۱). اما والدین آزادمنش و قاطع، هم برای رفتار خودمختارانه و هم برای رفتار منضبط اعتبار قائل‌اند، آنان روابط کلامی را تشویق می‌کنند و وقتی که از اقتدار خود به‌عنوان والدین استفاده و فرزند را از چیزی منع می‌کنند، یا از او انتظاری دارند، برایش دلیل می‌آورند (۱۲). برخی نظریه‌پردازان معتقدند که خودشیفتگی از طریق ارزش‌گذاری بیش‌ازحد توسط والدین نیز می‌تواند ایجاد شود. این ارزش‌گذاری بیش‌ازحد از سوی والدین ممکن است دیدگاه‌های افراطی مثبت نسبت به خود را در فرزندان پرورش دهد که در نهایت منجر به احساس حقارت می‌شود. این احساس حقارت زمانی رخ می‌دهد که فرد فراتر از سیستم خانواده تعامل می‌کند و متوجه می‌شود که دیدگاه‌های خودبزرگ‌بینی او از سوی جامعه حمایت نمی‌شود (۱۳). علاوه بر این، ترکیبی از سبک‌های فرزندپروری نیز ممکن است با ایجاد

دانشجویان که اغلب در اوایل دوران جوانی به سر می‌برند در حال شکل‌گیری هویت خود هستند و یاد می‌گیرند که چگونه در دنیای درونی و بیرونی خود حرکت کنند (۱). آن‌ها نقش انکارناپذیری در آینده هر جامعه‌ای دارند و افکار، رفتارها و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها تأثیر بسزایی بر سلامت عمومی فرد و جامعه دارد. عوامل مختلفی از جمله اختلال شخصیت خودشیفته^۱ ممکن است سلامت روان‌شناختی دانشجویان را تهدید کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که از سه دهه پیش تاکنون نشانه‌های خودشیفتگی به‌طور چشمگیری در بین دانشجویان افزایش یافته است (۲، ۳). ویژگی‌های خودشیفتگی می‌تواند سازگار باشد، اما اگر خودشیفتگی بیمارگونه شود، سبب بروز مشکلاتی در فرد مانند افسردگی، اضطراب، اقدام به خودکشی و روابط بی‌کیفیت می‌شود (۴، ۵).

خودشیفتگی وقتی در شکل افراطی خود در قالب اختلال شخصیت ظاهر می‌شود، یک الگوی فراگیر خودبزرگ‌بینی (در خیال یا در عمل)، نیاز به تحسین، و فقدان همدلی است که از اوایل بزرگسالی آغاز و در زمینه‌های گوناگون ظاهر می‌شود (۵). افراد با سطوح بالاتر خودشیفتگی بیمارگونه ممکن است دیدگاه‌های مثبتی نسبت به خود داشته باشند که با واقعیت اجتماعی اثبات نشده باشد (خودبزرگ‌بینی) و احساس ناراحتی در نتیجه عدم رعایت این خودبینی (خودبینی آسیب‌پذیر) داشته باشند (۶). هسته اصلی خودشیفتگی بیمارگونه، ناتوانی در تکیه بر خویش و دیگران برای حفظ عزت‌نفس مثبت و درعین‌حال واقع‌بینانه است. علی‌رغم هزینه‌های حفظ این دیدگاه‌های ناسازگار برای افراد خودشیفته، آن‌ها به راحتی تن به پذیرش واقعیت و اصلاح خویش در جهت رسیدن به یک خودنگری واقع‌بینانه نمی‌دهند (۷). افراد مبتلا به این اختلال احساس می‌کنند که نیازهایشان استثنایی و فراسوی بینش افراد معمولی است. این افراد معمولاً به تحسین زیادی نیاز دارند و عزت‌نفس آن‌ها شکننده است و ممکن است نسبت به اینکه کارها را تا چه اندازه خوب انجام می‌دهند و تا چه اندازه توسط دیگران مورد احترام قرار می‌گیرند، اشتغال ذهنی داشته باشند (۸). این امر اغلب به شکل نیاز به توجه و تحسین دائم ظاهر می‌شود. در انتظار غیرمنطقی این افراد از رفتار بسیار خوب دیگران، یک

1. Narcissistic personality disorder (NPD)

احساس ارضا، حمایت و درک شدن را تجربه کرده باشد در روابط بعدی نیز خود را به این صورت خواهد دید و بالعکس.

طبق نظریه وستن^۶ روابط ابژه دربرگیرنده افکار و احساسات فرد نسبت به سایر افراد است. او مطرح می‌کند که بازنمایی شناختی افراد خاص (بازنمایی ابژه)، آرزوها و هیجانات همراه با این بازنمایی‌ها، تصاویر ذهنی و ترس‌های مربوط به خود و دیگر افراد مهم، به‌عنوان کارکردهای مهم روابط بین فردی در نظر گرفته می‌شود (۲۱). در نظریه‌ای دیگر ملانی کلاین^۷ معتقد است که باید تمرکز نظریه روان‌کاوی از مراحل رشد مبتنی بر اندام، به نقش خیال‌پردازی اولیه در تشکیل روابط میان‌فردی، تغییر جهت دهد. بنا بر عقیده ملانی کلاین، رابطه نوزاد با مادر یا سینه او (یا هر منبع غذایی دیگر) به مدلی تبدیل می‌شود که در همه روابط میان‌فردی مراحل بعدی زندگی کاربرد پیدا می‌کند. بنابراین، روابط میان‌فردی دوره بزرگسالی، اغلب همان چیزی نیست که به نظر می‌رسد (۲۲).

در نظریه کوهوت^۸ (۲۳) ابژه پیوندی است که بین کودک و والد یا مراقبین اولیه ایجاد می‌شود؛ این ترکیب شامل کودک و افرادی است که به کودک توانایی حفظ ساختار و استحکام خود را می‌دهند و باعث می‌شوند کودک احساس پیوستگی و ثبات کند. این افراد را ابژه کودک می‌نامند. در این نظریه نشان داده می‌شود که والدین نباید تمام نیازهای ابژه کودک را برآورده کنند. این ناکامی بهینه در تأمین نیازهای کودک برای تغییر اندیشه‌های بزرگ‌بینانه ذاتی کودک ضروری است و به کودک کمک می‌کند تا عزت‌نفس خود را حفظ و به مکانیزم درونی خود آرام‌بخشی دست یابد و درعین حال از خودشیفتگی ناسازگار دور بماند (۲۳).

مطابق با چهارچوب نظری موجود، روابط ابژه و نظریه دلبستگی دو حوزه مرتبط به هم هستند که علاقه مشترک آن‌ها در زمینه بررسی تأثیرات روابط اولیه والد و فرزند بر تحول و رشد کودک خلاصه می‌شود. آن‌چنان‌که بالبی^۹ تأکید می‌کند می‌توان گفت که تجارب مرتبط با تحول پدیده دلبستگی در کودک، ساختار خودانگاره و تصویر خود را شکل می‌دهد و از این طریق بر سلامت هیجانی، ارزش خود و دیدگاه فرد نسبت به دیگران و روابط بین فردی اثر می‌گذارد (۲۴، ۲۵).

پژوهش‌ها نشان داده است که اغلب اختلالات روانی

نشانه‌های شخصیت خودشیفته در فرزند همراه باشد. آن‌چنان‌که فروید^۲ بیان کرد که ارزش‌گذاری بیش‌ازحد والدین، همراه با فقدان گرما برای نیازهای کودک، با ویژگی‌های بالاتر خودشیفتگی همراه است (۱۴). به‌طور خلاصه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌هایی از فرزندپروری شامل ارزش‌گذاری بیش‌ازحد، فقدان صمیمیت، سهل‌گیر و استبدادی، همگی با سطوح بالاتر نشانه‌های خودشیفتگی فرزندان همراه بوده است (۱۵، ۱۶).

علاوه بر سبک‌های فرزندپروری عوامل دیگری چون روابط فردی نیز ممکن است در بروز برخی نشانه‌های اختلالات شخصیتی نقش داشته باشند. محققان دریافته‌اند که بهبود روابط فردی و مهارت‌های شناختی افراد می‌تواند در پیشگیری و درمان بسیاری از اختلالات روانی مؤثر باشد (۱۷). از اوایل قرن نوزدهم، تغییر بزرگی در نظریه روان‌درمانی تحلیلی ایجاد شد و تأثیر روابط فردی و الگوهای تفکر و احساسات زیر بنای آن، بر اختلالات مورد توجه قرار گرفت. از جمله رویکردهای حاصل از این تغییر، رویکرد روابط ابژه‌ای^۳ است. نظریات روابط ابژه‌ای را می‌توان پیامد نظریه فروید دانست (۱۸). از آنجا که در متون مختلف و توسط نظریه‌پردازان متعدد این حوزه، اصطلاح روابط با ابژه، به گونه‌های مختلفی تعریف شده است، تعریف دقیق و جامع آن دشوار است. در این بین گرینبرگ و میچل^۴ بیان داشتند که روابط با ابژه دربرگیرنده کنش‌های متقابل (تعاملات) شخص با افراد واقعی یا تصویری و همچنین روابط میان دنیای ابژه‌ای درونی و بیرونی آن‌هاست (۱۹).

ابژه‌ها و روابطی که کودک با آن‌ها دارد، به‌مرور زمان عواطفی را در او ایجاد می‌کنند و شخص به درونی کردن این روابط و عواطف همراه آن می‌پردازد. اولین «شیء» در یک فرد معمولاً تصویر درونی شده از مادر، پدر یا مراقب اصلی فرد است. این اشیاء درونی توسط الگوهای در تجربه مراقبت از کودک در کودک شکل می‌گیرند که ممکن است بازنمایی دقیقی از مراقبین واقعی و بیرونی او نباشد (۲۰). این درونی‌سازی^۵ به‌تدریج ساختار روانی کودک را شکل می‌دهد؛ در نتیجه فرد در بزرگسالی خود را طوری می‌بیند که در روابط اولیه دیده است. به‌این‌ترتیب روابط ابژه به شکل قابل‌توجهی نحوه تعامل فرد بزرگسال با دیگران را متأثر می‌کند. به‌عنوان مثال اگر کودک در روابط اولیه

6. Westen

7. Melanie Klein

8. Kohut

9. John Bowlby

2. Freud

3. Object relations

4. Greenberg & Mitchell

5. Internalizing

قادر به پیش‌بینی نشانه‌های شخصیت خودشیفته در دانشجویان دانشگاه آزاد واحد شیراز است. ۲- ابعاد روابط ابژه به‌طور معنادار قادر به پیش‌بینی نشانه‌های شخصیت خودشیفته در دانشجویان دانشگاه آزاد واحد شیراز است.

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود و به بررسی پیش‌بینی نشانه‌های شخصیت خودشیفته بر اساس ادراک سبک‌های فرزندپروری و روابط ابژه‌ای در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز پرداخت.

جامعه آماری

جامعه آماری مطالعه شامل دانشجویان ۱۹۶۱۹ نفر از دانشگاه آزاد واحد شیراز بود که در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. تعداد ۳۷۶ نفر (۲۰۳ زن و ۱۷۳ مرد) از این دانشجویان با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای جهت انجام پژوهش انتخاب شدند.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه بر اساس روش کرجسی و مورگان^{۱۶} (۳۱) به تعداد ۳۷۶ انتخاب شد.

معیارهای ورود و خروج

ملاک‌های ورود به مطالعه شامل رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان و اشتغال به تحصیل در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲، و ملاک‌های خروج شامل بیماری‌های صعب‌العلاج جسمانی، سایر اختلالات روان‌شناختی مزمن و تحت درمانی قرار داشتن افراد شرکت‌کننده بودند.

ابزارهای پژوهش

• پرسشنامه شخصیت خودشیفته^{۱۷} (NPI-16): این پرسشنامه در سال ۲۰۰۶ توسط آمز^{۱۸}، دنیل ار^{۱۹}، رز پاول^{۲۰} و اندرسون^{۲۱} ساخته شد (۳۲) و ۱۶ جفت عبارت دارد و هدف آن سنجش ویژگی‌های شخصیت خودشیفته است و متشکل از جفت گویه‌هایی است که پاسخ‌دهنده باید یکی از آن‌ها را انتخاب نماید.

از جمله خودشیفتگی در دوران نوجوانی و جوانی شیوع بیشتری پیدا می‌کند (۲، ۳، ۵) و اغلب دانشجویان در این دوران سنی قرار دارند. اما یونیسف^{۱۰} می‌گوید که تنها یک سوم پژوهش‌های سلامت روان متوجه جوانان می‌شود (۲۶). این در حالی است که برآوردهای شیوع اختلال شخصیت خودشیفته بر مبنای نسخه پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی انجمن روان‌پزشکی آمریکا^{۱۱}، حدود ۶/۲ درصد از جمعیت عمومی را در برمی‌گیرد (۸).

با توجه به مطالب گفته‌شده و اهمیت بررسی سلامت روانی دانشجویان که نقش قابل‌توجهی در عرصه‌های مختلف کشور دارند، پژوهش حاضر به بررسی پیش‌بینی نشانه‌های شخصیت خودشیفته بر اساس ادراک سبک‌های فرزندپروری و روابط ابژه‌ای در دانشجویان پرداخت. اگرچه پژوهش‌های مختلفی در این زمینه صورت گرفته است، اما این پژوهش‌ها یافته‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. به‌عنوان مثال نتایج پژوهش‌های کوهن و هلسی^{۱۲} (۲۲) و دی‌وریس و مایلر^{۱۳} (۲۷) نشان داد که بین نشانه‌های شخصیت خودشیفته و روابط ابژه رابطه معنادار وجود دارد، درحالی‌که در پژوهش هیبارد^{۱۴} (۲۸) رابطه معنادار بین این دو مشاهده نشد. همچنین در پژوهش ضابطی و جعفری (۲۹) مشخص شد که بین همه ابعاد سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های شخصیت خودشیفته ارتباط معنادار وجود دارد؛ درحالی‌که نتایج مطالعه مکانیک و بری^{۱۵} (۳۰) حاکی از آن بود که سبک فرزندپروری استبدادی ارتباط معناداری با علائم شخصیت خودشیفته ندارد. تفاوت‌ها در یافته‌ها می‌تواند ناشی از جنبه‌های مختلف خودشیفتگی (مانند آسیب‌پذیر/بزرگ‌ترا/کل)، تفاوت‌های فرهنگی در سبک‌های فرزندپروری جوامع مختلف، بیان و غیره باشد. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که آسیب‌شناسی بسیاری از اختلالات روان‌شناختی را می‌توان اغلب در نوجوانی و جوانی مشاهده کرد که علائم آن‌ها ممکن است تا بزرگسالی ادامه یابد.

بنابراین، انجام مطالعه در خصوص نشانه‌های شخصیت خودشیفته در دانشجویان و بررسی مکانیسم‌های بالقوه زمینه‌ای و عوامل مرتبط با آن حائز اهمیت است. پژوهش حاضر با این دو فرضیه انجام و نتیجه گرفت: ۱- سبک‌های فرزندپروری به‌طور معنادار

16. Krejcie & Morgan
17 Narcissistic Personality Inventory
18. Ames
19. Danial R
20. Rose Paul
21. Anderson

10. UNICEF- Humanitarian aid organization
11. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM_5)
12. Cohen & Hulsey
13. de Vries & Miller
14. Hibbard
15. Mechanic, Barry

در این پرسشنامه امتیازات دامنه‌ای بین بازه ۰ تا ۱۶ قرار دارد. امتیاز بالاتر بیانگر خودشیفتگی بالاتر فرد خواهد بود و برعکس. به عنوان یک نقطه برش، امتیاز ۸ به بالا بیانگر شخصیت خودشیفته در فرد است. محمدزاده (۳۳) این پرسشنامه را در یک مطالعه زمینه‌یابی مقطعی، با استفاده از ۳۴۲ دانشجو در سال ۱۳۸۷ مورد آزمون قرار داد. ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامه شخصیت خودشیفته NPI-16 و مقیاس خودشیفتگی MCMI-II برابر با ۰/۷۷ و معنادار بود ($P > ۰/۰۰۱$). ضریب پایایی بازآزمایی، ضریب همبستگی در تعیین پایایی تنصیفی و ضریب آلفای کرونباخ در سنجش همسانی درونی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۴ و ۰/۷۹ محاسبه شده است. همچنین در پژوهش حاضر ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامه شخصیت خودشیفته NPI-16 و مقیاس خودشیفتگی MCMI-II برابر با ۰/۶۹ و معنادار بود ($P > ۰/۰۱$). پایایی پرسشنامه نیز با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار آن ۰/۷۸ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب پرسشنامه است.

• پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند^{۲۲}:

پرسشنامه ۳۰ سؤالی سبک‌های فرزندپروری توسط بامریند طراحی و ساخته شده است (۳۴) و شامل سه بعد سهل‌گیر^{۲۳}، استبدادی^{۲۴} و اقتدار منطقی^{۲۵} است. شیوه نمره‌گذاری آن به این شرح است که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود که با جمع نمره‌های سؤال‌های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سؤالات نمره مجزا به دست می‌آید. بورای^{۲۶} (۳۵) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل‌گیر (۰/۳۸ - $r =$) و اقتدار منطقی ($r = -۰/۴۸$) دارد و شیوه سهل‌گیر رابطه معنادار با شیوه اقتدار منطقی ندارد ($r = ۰/۰۷$). بورای، برای محاسبه پایایی از روش بازآزمایی استفاده کرد و این ضرایب را به دست آورد: ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیر، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. اسفندیاری (۳۶) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داده است. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روانشناسی و روان‌پزشکی خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت

مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج به دست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور روایی صوری دارد. اسفندیاری پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای سبک سهل‌گیر ۰/۶۹، استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. در پژوهش مینایی و نیک‌زاد (۳۷) نتایج ساختار عاملی نشان داد که این پرسشنامه از سه عامل تشکیل شده است که از نظر تعداد عامل‌ها، با نسخه اصلی این پرسشنامه، بامریند و نسخه فارسی آن، اسفندیاری، همخوانی دارد. همچنین در پژوهش حاضر ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری یانگ محاسبه شد. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی نمرات سبک سهل‌گیر ۰/۷۷، سبک استبدادی ۰/۶۵ و سبک اقتدار منطقی ۰/۶۹ و معنادار بودند ($P > ۰/۰۱$). پایایی پرسشنامه نیز با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و برای سبک سهل‌گیر ۰/۷۳، استبدادی ۰/۶۶ و اقتدار منطقی ۰/۸۱ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب پرسشنامه است.

• پرسشنامه روابط ابژه بل^{۲۷}: بل پرسشنامه روابط

ابژه و واقعیت‌آزمایی را در سال ۱۹۹۵ طراحی نمود (۳۸). در این پرسشنامه ۹۰ سؤالی، ۴۵ سؤال به سنجش روابط ابژه و ۴۵ سؤال به سنجش واقعیت‌آزمایی یا کارکردهای من می‌پردازد و شامل چهار بعد بیگانگی^{۲۸}، دلبستگی ناایمن^{۲۹}، خودمحوری^{۳۰} و بی‌کفایتی اجتماعی^{۳۱} است. بل ضریب پایایی پرسشنامه روابط ابژه را با فاصله زمانی دو هفته بین ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و با فاصله زمانی ۱۳ هفته، بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۱ گزارش کرده است. این پرسشنامه توسط گلی‌زاده (۲۴) در پژوهشی در دو نوبت به فاصله دو هفته اجرا شد و پایایی هر یک از ابعاد در نمونه ایرانی عبارت بودند از: بیگانگی ۰/۶۰، دلبستگی ناایمن ۰/۶۴، خودمحوری ۰/۸۰ و بی‌کفایتی ۰/۶۱. همچنین ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه روابط ابژه و واقعیت‌آزمایی بل در نمونه‌های ایرانی بررسی شد و با آلفای کرونباخ ابعاد آن از ۰/۶۶ برای بی‌کفایتی اجتماعی تا ۰/۸۸ برای بیگانگی تأیید گردید (۳۹). همچنین در پژوهش حاضر دامنه ضرایب همبستگی دومتغیری بین ابعاد تشکیل‌دهنده پرسشنامه روابط ابژه بل محاسبه شد و مقادیر بین ۰/۵۶ تا ۰/۷۴ به دست آمد که از نظر آماری معنادار بود ($P > ۰/۰۱$).

27. Bell Object Relations Inventory (BORI)

28. Alienation

29. Insecure Attachment

30. Egocentricity

31. Social Incompetence

22. PSI: Parenting Style Inventory

23. Permissive

24. Authoritarian

25. Authoritative

26. Buri

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای دموگرافیک شرکت‌کنندگان

متغیر	گروه	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۲۰۳	۵۴٪
	مرد	۱۷۳	۴۶٪
سطح تحصیلات	لیسانس	۲۱۲	۵۶٪
	فوق لیسانس	۱۳۶	۳۶٪
	دکتری	۲۸	۸٪
وضعیت تأهل	مجرد	۲۶۷	۷۱٪
	متأهل	۱۰۹	۲۹٪

یافته‌ها

در این بخش ابتدا نتایج توصیفی و پس از آن نتایج استنباطی پژوهش آورده شده است. در (جدول ۱) فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و وضعیت تأهل و در (جدول ۲) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش شامل خودشیفتگی، ابعاد سبک‌های فرزندپروری و ابعاد روابط ابژه آورده شده و بعد با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد.

همان‌گونه که در (جدول ۲) مشاهده می‌شود میانگین و انحراف معیار خودشیفتگی شرکت‌کنندگان برابر با ۲۷/۴۳ و ۵/۴۳، میانگین و انحراف معیار بعد سهل‌گیر برابر با ۲۷/۰۹ و ۵/۰۹، میانگین و انحراف معیار بعد استبدادی برابر با ۲۳/۶۴ و ۵/۱۵ و میانگین و انحراف استاندارد بعد اقتدار منطقی برابر با ۲۳/۶۴ و ۴/۶۴، میانگین و انحراف معیار بعد بیگانگی برابر با ۷/۴۳ و ۳/۲۰، میانگین و انحراف معیار بعد دلبستگی ناایمن برابر با ۶/۴۰ و ۲/۵۴، میانگین و انحراف معیار بعد خودمحوری برابر با ۸/۸۷ و ۳/۶۶ و میانگین و انحراف معیار بعد بی‌کفایتی اجتماعی شرکت‌کنندگان برابر با ۶/۸۴ و ۲/۱۳ است.

در ادامه به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد. اما قبل از استفاده از آزمون‌های پارامتریک، مفروضات آن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که مقدار کجی و کشیدگی برای همه متغیرها بین ۲+ و ۲- (۰/۴۵ تا ۱/۱۹) قرار دارد که نشان‌دهنده توزیع نرمال متغیرهای پژوهش است. همچنین هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین با استفاده از آماره تحمل و آماره

پایایی پرسشنامه نیز با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و برای ابعاد بیگانگی ۰/۷۹، دلبستگی ناایمن ۰/۸۰، خودمحوری ۰/۷۵ و بی‌کفایتی اجتماعی ۰/۸۳ به‌دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب پرسشنامه است.

روش آماری

پرسشنامه‌ها بعد از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۳ در دو سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. در سطح توصیفی به محاسبه شاخص‌های توصیفی نظیر میانگین، انحراف استاندارد، مینیمم و ماکزیمم متغیرهای پژوهشی و در سطح استنباطی با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون^{۳۲} و آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه^{۳۳} به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد.

ملاحظات اخلاقی

• موازین حقوقی و اخلاقی در طول انجام پژوهش رعایت گردید و آزمودنی‌ها در مورد پژوهش و اهداف انجام آن توجیه شدند. ضمن اخذ رضایت آگاهانه از آزمودنی‌ها و فراهم کردن امکان انصراف، به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات مربوط به ایشان به‌صورت محرمانه نگهداری می‌شود.

• همچنین در طول پژوهش از منابع معتبر علمی و نتایج پژوهش دیگران استفاده گردید و اصل رعایت صداقت در تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد توجه قرار گرفت.

• این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم کوثر تقی‌زاده در رشته روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد واحد شیراز است و با شناسه اخلاق IR.IAU.SHI-RAZ.REC.1402.184 مصوب گردیده است.

32. Pearson correlation

33 Multiple Linear Regression

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
خودشیفتگی	۲۷/۴۳	۵/۴۳	۹	۴۵
سهل‌گیر	۲۷/۰۹	۵/۰۹	۱۰	۳۴
استبدادی	۲۳/۶۴	۵/۱۵	۱۳	۳۵
اقتدار منطقی	۲۴/۶۵	۴/۶۴	۱۵	۴۱
بیگانگی	۷/۴۳	۳/۲۰	۱	۱۴
دلبستگی نایمن	۶/۴۰	۲/۵۴	۲	۱۳
خودمحوری	۸/۸۷	۳/۶۶	۳	۱۵
بی‌کفایتی اجتماعی	۶/۸۴	۲/۱۳	۲	۱۳

جدول ۳. آزمون ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

خودشیفتگی	بی‌کفایتی اجتماعی	خودمحوری	دلبستگی نایمن	بیگانگی	فرزندپروری اقتدار منطقی	فرزندپروری استبدادی	فرزندپروری سهل‌گیر
							۱
							فرزندپروری استبدادی
					۱	۰/۲۵۶**	۰/۳۰۹**
					فرزندپروری اقتدار منطقی	۰/۲۳۷**	۰/۳۰۹**
				۱	۰/۱۹۸*	۰/۲۵۴**	۰/۲۱۷*
			۱	۰/۳۰۹**	۰/۲۷۶**	۰/۲۹۸**	۰/۳۴۳**
		۱	۰/۲۶۴**	۰/۲۹۹**	۰/۱۷۶*	۰/۲۸۷**	۰/۳۲۷**
	۱	۰/۲۸۷**	۰/۳۱۱**	۰/۳۷۶**	۰/۳۲۹**	۰/۴۰۹**	۰/۲۶۶**
۱	۰/۱۸۷*	۰/۳۴۲**	۰/۲۳۲**	۰/۲۵۵**	۰/۳۵۴**	۰/۲۶۶**	۰/۲۸۸**

P ≤ ۰/۰۱: **، P ≤ ۰/۰۵: *

پس از آن با استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد (جدول ۴، جدول ۵).

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه هم‌زمان جهت بررسی فرضیه اول در (جدول ۴) آورده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میزان R برابر با ۰/۴۷۳ و میزان R^2 برابر با ۰/۱۸۹ است. به عبارتی سبک‌های فرزندپروری در کل ۱۹ درصد از واریانس نمرات خودشیفتگی را تبیین می‌کند. همچنین ابعاد سهل‌گیر ($\beta=۰/۳۱۱$ ، $P=۰/۰۰۱$) و استبدادی ($\beta=۰/۲۹۴$ ، $P=۰/۰۰۳$) به‌صورت مثبت و معنادار و بعد اقتدار منطقی ($\beta=-۰/۳۰۷$ ، $P=۰/۰۰۱$) به‌صورت منفی و معنادار قادر به پیش‌بینی خودشیفتگی شرکت‌کنندگان بودند.

تورم واریانس بررسی شد و نتایج نشان داد که آماره تحمل به‌دست‌آمده برای متغیرهای پژوهش حاضر بیشتر از ۰/۱ (۰/۲۶ تا ۰/۳۸) و مقدار عامل واریانس تورم کوچک‌تر از ۱۰ (۱/۵۹ تا ۳/۰۴) بود که نشان‌دهنده عدم هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین است.

سپس همبستگی بین متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل از آن در (جدول ۳) آورده شده است. این نتایج نشان داد که بین ابعاد روابط ابژه با خودشیفتگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین از میان ابعاد سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های سهل‌گیر و استبدادی رابطه مثبت و معنادار با خودشیفتگی و سبک فرزندپروری اقتدار منطقی رابطه منفی و معنادار با خودشیفتگی دارند.

جدول ۴. آزمون رگرسیون چندگانه جهت پیش‌بینی خودشیفتگی بر اساس سبک‌های فرزندپروری

متغیر ملاک: خودشیفتگی						
متغیر پیش‌بین	R	R ²	F	p	β	T
سهل‌گیر	۰/۰۰۶	۰/۱۸۹	۳۴/۰۶۸	۰/۰۰۱	۰/۳۱۱	۳/۳۶۵
استبدادی	۰/۰۰۳				۰/۲۹۴	۳/۱۵۸
اقتدار منطقی	۰/۰۰۱				-۰/۳۰۷	۳/۲۳۹

R: ضریب هم‌بستگی، R²: ضریب تعیین، F: آماره فیشر، p: سطح معناداری، β : ضرایب استاندارد، T: آماره تی تست، P: سطح معناداری

جدول ۵. آزمون رگرسیون چندگانه جهت پیش‌بینی خودشیفتگی بر اساس روابط ابژه‌ای

متغیر ملاک: خودشیفتگی						
متغیر پیش‌بین	R	R ²	F	P	β	T
بیگانگی	۰/۰۰۵				۰/۲۸۸	۳/۰۹۸
دلبستگی نالایمن	۰/۲۶۵				۰/۱۱۰	۱/۴۳۶
خودمحوری	۰/۰۰۱				۰/۳۰۲	۳/۱۵۴
بی‌کفایتی اجتماعی	۰/۱۵۹				۰/۲۰۹	۲/۲۳۵

R: ضریب همبستگی، R²: ضریب تعیین، F: آماره فیشر، p: سطح معناداری، β : ضرایب استاندارد، T: آماره تی تست، P: سطح معناداری

معنادار، و بعد اقتدار منطقی به‌صورت منفی و معنادار قادر به پیش‌بینی خودشیفتگی شرکت‌کنندگان بودند. این یافته‌ها با پژوهش‌های کرمانیان و همکاران (۵)، جناآبادی و حسینی (۱۲)، ضابطی و جعفری (۲۹)، ون‌شای^{۳۴} و همکاران (۱۳)، ویگناندو و بی‌زومیک^{۳۵} (۱۴) و مکانیک و بری^{۳۶} (۳۰) همخوانی دارد.

در راستای تبیین این یافته‌ها باید گفت که سبک‌های فرزندپروری والدین که متأثر از مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، خصوصیات شخصی و نظام اعتقادی است می‌تواند اثرات متفاوتی بر تربیت فرزندان و شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها بگذارد. والدین آزادمنش و قاطع، روابط کلامی فرزندان را تشویق می‌کنند و اگر از او انتظاری دارند آن را با دلیل بیان می‌کنند. این گروه از والدین در مقایسه با سایر گروه‌ها بامحبت‌تر، گرم‌تر و حامی‌تر هستند و دیدگاه‌ها، علایق و انگیزه‌های فرزندان را به‌خوبی می‌شناسند و قادر به برقراری ارتباط مناسب با آن‌ها هستند که این عوامل در پیشگیری از ابتلای فرزندان به اختلالات شخصیتی از جمله خودشیفتگی بسیار مؤثر است.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه هم‌زمان جهت بررسی فرضیه دوم در (جدول ۵) آورده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میزان R برابر با ۰/۵۲۸ و میزان R² برابر با ۰/۲۷۳ است. به عبارتی ابعاد روابط ابژه‌ای در کل ۲۷ درصد از واریانس نمرات خودشیفتگی را تبیین می‌کند. همچنین ابعاد بیگانگی ($\beta=0/288$, $P=0/005$) و خودمحوری ($\beta=0/302$, $P=0/001$) به‌صورت مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی خودشیفتگی بودند. اما ابعاد دلبستگی نالایمن و بی‌کفایتی اجتماعی قادر به پیش‌بینی معنادار خودشیفتگی شرکت‌کنندگان نبودند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌بینی نشانه‌های شخصیت خودشیفته بر اساس ادراک سبک‌های فرزندپروری و روابط ابژه‌ای در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های فرزندپروری در کل ۱۹ درصد از واریانس نمرات خودشیفتگی دانشجویان را تبیین می‌کند و ابعاد سهل‌گیر و استبدادی به‌صورت مثبت و

34. Van Schie

35. Vignando, Bizumic

36. Mechanic K.L., Barry C.T.

• کودک شکست‌خورده: برخی از این کودکان به راحتی تسلیم می‌شوند و شکست را می‌پذیرند. در سال‌های نوجوانی و جوانی ممکن است به خودسرزنشگری و تنفر از خود که ناشی از افسردگی است، مبتلا شوند. سپس برای فرار از شرم درونی خود، ممکن است سعی کنند دست به رفتارهای تکانشی و رفتارهای خودشیفتگی بزنند.

• کودک سرکش: این کودکان آشکارا پیام والدین مبنی بر بازنده بودنشان را رد می‌کنند. در عوض آن‌ها زندگی خود را صرف این می‌کنند که به خود، دنیا و پدر یا مادر مستبد ثابت کنند که منحصر به فرد هستند و والدینشان اشتباه می‌کنند. اثبات خاص بودن آن‌ها به یک مأموریت مادام‌العمر تبدیل می‌شود که این امر می‌تواند آن‌ها را به فرد خودشیفته تبدیل کند.

• کودک خشمگین: این کودکان از پدر یا مادر مستبد خشمگین می‌شوند. هرکسی که به هر طریقی پدر و مادرشان را به آن‌ها یادآوری کند، هدف خشم وی قرار می‌گیرد (۱۴). آن‌ها ممکن است به افراد خودشیفته‌ای تبدیل شوند که هیچ دستاورد و موفقیتی برای آن‌ها کافی نیست.

از سوی دیگر والدینی که سبک فرزندپروری سهل‌گیر را در پیش می‌گیرند، فرزندپروری بی‌توقع توأم با رفتار متفاوت و شیوه مسامحه‌کاری را ایجاد می‌کند. این والدین برخورد کلامی اندکی که با فرزندانشان دارند و فرزندان خود را مجاز می‌کنند تا برای خود هر تصمیمی بگیرند و از آنان چندان توقعی برای رفتار بالغانه ندارند. این والدین اغلب بی‌قید و شرط فرزندان خود را تشویق می‌کنند و این ارزش‌گذاری بیش‌ازحد خودشیفتگی فرزندان را پیش‌بینی می‌کند (۳۰). بنابراین، به نظر می‌رسد که فرزندان با درونی کردن دیدگاه‌های متورم والدین نسبت به خود (مثلاً «من از دیگران برترم» و «من مستحق امتیازات هستم») به خودشیفتگی مبتلا می‌شوند. همچنین فرزندانی که بدون توجه به موفقیت یا تلاش مورد تحسین قرار می‌گیرند، بیشتر از شکست می‌ترسند و از تاکتیک‌های اجتناب و تقلب برای حفظ دیدگاه مثبت خود استفاده می‌کنند (۱۳). این هوشیاری بیش‌ازحد در برابر تهدیدهای خود و واکنش‌های دفاعی، در خودشیفتگی نیز مشاهده می‌شود (۱۳). به‌طور کلی احساس استحقاق که مربوط به خودشیفتگی آسیب‌پذیر است، ممکن است با ترکیبی از ارزش‌گذاری بیش‌ازحد و ملایمت والدین، یعنی والدینی که کودک را تحسین می‌کنند و مرزهای

اعتقاد به کنترل درونی اساساً در خانواده‌هایی آموخته می‌شود که در آن والدین گرم و حمایت‌کننده هستند، فرزندانشان را به‌خاطر پیشرفت در کارها تشویق می‌کنند و سعی نمی‌کنند بر آن‌ها کنترل استبدادی داشته باشند (۵). والدین مقتدر و منطقی در شیوه‌های تربیتی فرزندانشان ثبات رفتاری دارند و سعی نمی‌کنند پیوسته قوانین را در خانه تغییر دهند و از تنبیه بیش‌ازحد استفاده کنند. تحت چنین شرایط گرم و پذیرنده و حمایت‌کننده‌ای، فرزندان می‌آموزند که همان‌گونه که در هنگام موفقیت احساس خوشبختی می‌کنند؛ پذیرای شرمندگی شکست‌های خود باشند، زیرا در چنین شرایطی از بروز اختلالاتی چون خودشیفتگی جلوگیری می‌شود. علاوه بر این، جوانان در این خانواده‌ها از موفقیت‌های علمی و آموزشی، بلوغ عاطفی و اجتماعی مطلوب و احساس کفایت والایی برخوردارند (۱۳) زیرا توقع والدین مقتدر با توانایی فرزندان در پذیرفتن رفتارهای خویش متناسب است؛ در نتیجه والدین فرزندان را متقاعد می‌کنند که افراد با لیاقتی هستند و می‌توانند در کارها موفق شوند این برخورد موجب پرورش رفتار پخته، افزایش سطح عزت‌نفس فرزندان و دوری از رفتارهایی چون خودشیفتگی می‌شود.

اما والدین مستبد برخلاف والدین مقتدر و منطقی، لزومی نمی‌بینند برای دستوراتی که می‌دهند دلیلی ارائه کنند. به نظر آن‌ها اطاعت بی‌چون و چرا یک فضیلت است. بعضی از والدین از سر خشم روشی را در پیش می‌گیرند و برخی دیگر چنین می‌کنند تا به نوجوان یاد دهند به مراجع قدرت احترام بگذارند؛ دلیل رفتارهای این‌چنینی در والدین این است که احتمالاً اختلاف را سرکوب می‌کنند، اما نمی‌توانند آن را از بین ببرند. آنان در حقیقت به خشم فرزندان خود دامن می‌زنند (۱۴). این‌گونه والدین بیشتر اعمال قدرت می‌کنند و روش انضباط اجباری دارند در ضمن کمتر گرم بوده و با فرزندان خود کمتر همدلی می‌کنند. اگر دو یا چند فرزند وجود داشته باشد، والدین یکی را تحسین می‌کند و دیگران را می‌کوبند (۳۰). «فرزند خوب» می‌تواند به سرعت تبدیل به «فرزند بد» شود و ناگهان جای آن‌ها باهم عوض می‌شود. فرزندان در این خانواده‌ها احساس امنیت نمی‌کنند و ممکن است همه وقت خود را صرف تلاش برای قانع کردن والد مستبد خود کنند. فرزندانی که در این خانواده‌ها بزرگ می‌شوند به چند روش مختلف در برابر وضعیت کودکی خود واکنش نشان می‌دهند (۱۲):

زیادی تعیین نمی‌کنند، تقویت شود.

دیگر یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ابعاد روابط ابراهای در کل ۲۷ درصد از واریانس نمرات خودشیفتگی دانشجویان را تبیین می‌کند و ابعاد بیگانگی و خودمحوری به صورت مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی خودشیفتگی بودند. نتایج این آزمون با پژوهش‌های گلی‌زاده (۲۴)، ارجمند و همکاران (۲۵)، سامرز^{۳۷} (۱۷) و دیاموند و میهان^{۳۸} (۱۸) همسو است. در راستای تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که افرادی که به بیگانگی در روابط موضوعی خود دچارند، غالباً از فقدان اساسی نوعی احساس اعتماد در روابط خود رنج می‌برند و در برقراری روابط مؤثر و صمیمی دچار مشکل می‌شوند. این افراد برای محافظت از خود در برابر خشم و خصومتی که به دیگران فرافکنی می‌کنند به تنهایی پناه برده و منزوی می‌شوند. تمامی این ویژگی‌ها در شخصیت خودشیفته ناسازگار مشاهده می‌شود. همچنین طبق نظریه کوهوت (۲۳) کودک خود و افرادی که موضوعش هستند را دو فرد جدا نمی‌داند؛ بلکه آن‌ها را در خود ادغام می‌کند و بخشی از خود می‌داند. افرادی که ابراهای کودک هستند نقش‌هایی در سازمان روانی کودک ایفا می‌کنند که بعدها در طول رشد کودک انجام این فعالیت‌ها را به عهده خواهد گرفت. «خود» به عنوان اثری از تعامل بین افراد در محیطی که کودک آن‌ها را به عنوان ابراهای خود تجربه می‌کند، حاصل می‌شود. بنابراین، رابطه‌ای که بین نوزاد و کودک با والدینش ایجاد می‌شود، به رشد حس خود کمک می‌کند. بنابراین در مدل کوهوت اگر نیازهای موضوع یا ابراهای خود کودک از طریق همدلی آن‌ها با کودک برآورده نشود، وقفه رشدی ایجاد و منجر به شکل‌گیری خودشیفتگی آسیب‌شناختی در دوران نوجوانی و جوانی می‌شود.

از طرف دیگر بعد دیگر روابط ابراهای یعنی خودمحوری سه نگرش نسبت به روابط را مشخص می‌سازد که عبارت‌اند از: بدگمانی و بی‌اعتمادی نسبت به انگیزه‌های دیگران، بهره‌جویی فردی از روابط و دستکاری و سوءاستفاده از دیگران برای دستیابی به خواسته‌های شخصی خود (۱۷). این افراد در روابط بین فردی، هیچ نوع همدلی ابراز نمی‌کنند و نسبت به احساسات و برداشت دیگران آگاهی و نگرانی ندارند که تمامی این خصوصیات می‌تواند باعث بروز ویژگی‌های شخصیت خودشیفته شود. در تبیین این یافته می‌توان ارتباط نظریات روابط موضوعی و نظریه دلبستگی را مورد توجه

قرار داد. بیلو^{۳۹} و همکاران با مطرح نمودن رابطه میان پدیده دلبستگی و شکل‌گیری شبکه روابط موضوعی بر این باورند که دلبستگی ایمن مستلزم بازنمایی‌های روابط موضوعی رشد یافته است و از طرف دیگر بازنمایی‌های موضوعی رشد یافته نمی‌تواند بدون تحول مطلوب و بهینه فرایند دلبستگی ایجاد گردد (۱۸). بازنمایی‌های موضوعی رشد یافته به فرد اجازه می‌دهد که با شیوه‌های نسبتاً مثبت و خودانگیزخته به دیگران نزدیک شود و تعاملی دوجانبه برقرار کند. درحالی‌که بازنمایی‌های موضوعی ناپخته و رشد نیافته باعث به وجود آمدن شیوه‌های ارتباطی ناکارآمد و متمرکز بر بهره‌کشی، خودمحوری و سوءاستفاده از دیگران در جهت ارضای نیازهای خودمحورانه فرد می‌شود.

محدودیت‌های پژوهش

استفاده از پرسشنامه به عنوان تنها ابزار اندازه‌گیری و خودگزارشی بودن آن که احتمال سوگیری و برداشت غلط از سؤالات را افزایش می‌دهد؛ از محدودیت‌های این پژوهش بود.

پیشنهادهای پژوهش

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی مداخلات آموزشی برای والدین جهت محدود کردن رشد خودشیفتگی انجام شود؛ چنین مداخلاتی می‌تواند به والدین کمک کند تا محبت و قدردانی خود را به فرزندان منتقل کنند، بدون اینکه به آن‌ها نشان دهند که نسبت به دیگران برتری دارند. همچنین پیشنهاد می‌شود برای دانشجویان کارگاه‌های مرتبط با سبب‌شناسی و آسیب‌شناسی اختلال شخصیت خودشیفته برگزار شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده در خصوص نقش والدین و روابط ابراهای در بروز نشانه‌های شخصیت خودشیفته دانشجویان، می‌توان گفت که به طور کلی عملکرد والدین و خانواده در بروز اختلالات شخصیتی از جمله خودشیفتگی فرزندان در دوران جوانی و بزرگسالی نقشی بسیار اساسی و کلیدی دارد؛ بنابراین انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به آسیب‌شناسی اختلال خودشیفتگی در دانشجویان که عمدتاً در دوران جوانی هستند و همچنین انتخاب راهکارهای مناسب توسط والدین کمک نماید.

37. Summers

38. Diamond, Meehan

39. Bilo

هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد

نویسندگان از همه افراد شرکت‌کننده در این مطالعه و تمامی کسانی که در انجام این پژوهش کمک نمودند، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع

- Day NJS, Bourke ME, Townsend ML, Grenyer BFS. Pathological Narcissism: A Study of Burden on Partners and Family. *J Pers Disord*. 2020;34(6):799-813.
- Liao S, Zeng J, Wei L. The Mechanisms of How Narcissistic Duality Traits Influence on College Student's Organizational Citizenship Behavior from an Impression Management Perspective. *Psychol Res Behav Manag*. 2023;16:2225-40.
- Wood AD, Borja K, Hoke L. Narcissism for fun and profit: an empirical examination of narcissism and its determinants in a sample of generation Z business college students. *Journal of management education*. 2021;45(6):916-52.
- Ronningstam E, Weinberg I. Narcissistic Personality Disorder: Patterns, Processes, and Indicators of Change in Long-Term Psychotherapy. *J Pers Disord*. 2023;37(3):337-57.
- Kermaniyan S, Golshani F, Baghdasariyans An, Jamgari F. The structural model of narcissism based on early life traumas, family functioning and methods Mother's perceived parenting with the mediation of emotion regulation difficulty. *Family and Health*. 2021;10(4):156-74. [Persian].
- di Giacomo E, Andreini E, Lorusso O, Clerici M. The dark side of empathy in narcissistic personality disorder. *Front Psychiatry*. 2023;14:1074558.
- Weidmann R, Chopik WJ, Ackerman RA, Allroggen M, Bianchi EC, Brecheen C, et al. Age and gender differences in narcissism: A comprehensive study across eight measures and over 250,000 participants. *J Pers Soc Psychol*. 2023;124(6):1277-98.
- Zeigler-Hill V, Dehaghi AMB. Narcissism and psychological needs for social status, power, and belonging. *Personality and Individual Differences*. 2023;210:112231.
- Ren W, Zhu X. Parental Mediation and Adolescents' Internet Use: The Moderating Role of Parenting Style. *J Youth Adolesc*. 2022;51(8):1483-96.
- Karimzadeh Navadian T. Prediction of adolescent social anxiety based on parents' parenting styles. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*. 2023;4(6):128-36. [Persian].
- Jabeen F, Gerritsen C, Treur J. Healing the next generation: an adaptive agent model for the effects of parental narcissism. *Brain Inform*. 2021;8(1):4-24.
- Jenaabadi H, Hosaini M. On the relationship between parents' parenting styles and narcissism in junior high school female students in Birjand. *Journal of School Psychology*. 2019;8(3):74-86. [Persian].
- van Schie CC, Jarman HL, Huxley E, Grenyer BFS. Narcissistic traits in young people: understanding the role of parenting and maltreatment. *Borderline Personal Disord Emot Dysregul*. 2020;7.
- Vignando M, Bizumic B. Parental Narcissism Leads to Anxiety and Depression in Children via Scapegoating. *J Psychol*. 2023;157(2):121-41.
- Wetzel E, Robins RW. Are Parenting Practices Associated with the Development of Narcissism? Findings from a Longitudinal Study of Mexican-origin Youth. *J Res Pers*. 2016;63:84-94.
- Coppola G, Musso P, Buonanno C, Semeraro C, Iacobellis B, Cassibba R, et al. The Apple of Daddy's Eye: Parental Overvaluation Links the Narcissistic Traits of Father and Child. *Int J Environ Res Public Health*. 2020;17(15):5515.
- Summers F. Object relations theories and psychopathology: A comprehensive text: Routledge; 2024.
- Diamond D, Meehan KB. Attachment and object relations in patients with narcissistic personality disorder: implications for

- therapeutic process and outcome. *J Clin Psychol*. 2013;69(11):1148-59.
19. Greenberg JR, Mitchell SA. *Object Relations in Psychoanalytic Theory*. Cambridge, MA (Harvard University Press) 1983. 1983.
 20. Felici C, Madeddu F, Doering S, Clarkin JF, Preti E. Knowing me, knowing you: A systematic review of object relations assessment. *Psychoanalytic Psychology*. 2023;40(4):309-319.
 21. Westen D. Social cognition and object relations. *Psychological bulletin*. 1991;109(3):429.
 22. Cohen CT, Hulsey TL. Object relations-focused psychoanalytic psychotherapy in the treatment of narcissistic personality disorder. *Clinical Case Studies*. 2022;21(5):474-91.
 23. Kohut H. *The analysis of the self*. New York: International University Press; 1971.
 24. Akhavan A, Gholi Zade T. *The Relationship between Father Loss and Object Relations with Narcissistic Personality Disorder*. A dissertation in Shahid Beheshti University; 2011. [Persian].
 25. Arjamand S, Mirza Hosseini H, Zargham Hajbi M. Comparison of object relations and perfectionism of medical students with maladaptive narcissistic disorder and normal. *Medical journal of Mashhad University of medical sciences*. 2022;64(5):3902-13. [Persian].
 26. Fontana A, Benzi IMA, Ghezzi V, Cianfanelli B, Sideli L. Narcissistic traits and problematic internet use among youths: A latent change score model approach. *Personality and Individual Differences*. 2023;212:112265.
 27. de Vries MFK, Miller D. Narcissism and leadership: An object relations perspective. *Human relations*. 1985;38(6):583-601.
 28. Hibbard S. Narcissism, shame, masochism, and object relations: An exploratory correlational study. *Psychoanalytic psychology*. 1992;9(4):489.
 29. As Z. Structural model of parenting styles, early maladaptive schemas and narcissistic personality traits in adolescents. *Applied Psychology*. 2018;12(2):285-302. [Persian].
 30. Mechanic KL, Barry CT. Adolescent grandiose and vulnerable narcissism: Associations with perceived parenting practices. *Journal of Child and family Studies*. 2015;24:1510-8.
 31. Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*. 1970;30(3):607-10.
 32. Ames DR, Rose P, Anderson CP. The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of research in personality*. 2006;40(4):440-50.
 33. Mohammadzadeh A. Validation of the narcissistic personality questionnaire (NPI). *Journal of Mental Health Principles*. 2009;4(11):276-81. [Persian].
 34. Baumrind D. Rearing competent children. In: W. Damon (Ed.), *Child development today and tomorrow* (pp. 349–378). San Francisco: Jossey-Bass; 1989.
 35. Buri JR. Parental authority questionnaire. *Journal of personality assessment*. 1991;57(1):110-9.
 36. Esfandiari G. Comparison of mothers' parenting methods in two groups of children with behavioral disorders and the effect of mothers' education on reducing behavioral disorders. Master's thesis Tehran Institute of Psychiatric Research (Persian). 1995.
 37. Minaei A, Nikzad S. The factor structure and validity of the Persian version of the Baumrind parenting style inventory. *Journal of Family Research*. 2017;13(1):91-108. [Persian].
 38. Bell MD. *Bell object relations and reality testing inventory: BORRTI*: Western Psychological Services; 2007.
 39. Hadinejad H, Tabatabayian M, Dehghani M. Preliminary investigation of the validity and reliability of Bell's Thematic Relations and Reality Test Questionnaire. *Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2014;20(2):162-9. [Persian].